



عزتی که قرآن از آن سخن می‌گوید متعلق به چه کسانی است؟

عزت واقعی

عزت متعلق به خداست

در مصاف بین حق و باطل، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرند. این، منطق قرآن است. در سوره فاطر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» و در سوره منافقون می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ عزت متعلق به خدا، پیامبر و مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی‌کنند که

مرکز عزت واقعی کجاست.

در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به
مراکز قدرت‌های شیطانی می‌کنند، برای اینکه
حیثیت و قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: «أَيَّبْتَغُونَ
عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ آیا دنبال عزت‌اند
کسانی که به رقبای دشمنان خدا و به قدرت‌های مادی
پناه می‌برند؟ عزت نزد خداست.

در سوره مبارکه شعراء، گزارشی از مجموعه چالش‌های
حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح،
حضرت شعیب و حضرت موسی مطرح می‌کند و مفصل
درباره چالش‌های این پیامبران بزرگ بحث می‌کند
و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند.

غلبه حق بر باطل

قرآن در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان کند، می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ؛ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند و قدرت، پول و سلاح دست آن‌ها بود، اما جبهه توحید بر آن‌ها پیروز شد؛ در این آیتی است از آیات الهی و خدای تو عزیز و رحیم است.

بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره مبارکه شعراء تکرار می‌کند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین‌کننده غلبه حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ؛ وَ تَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ»؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، سجده، عبادت، حرکت و تلاش، او حاضر و ناظر است و تو را می‌بیند. «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

